

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال هشتم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

معرفی نسخ خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی و متن‌شناسی آن^۱

نصراله سلامی^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

محمد هادی خالق‌زاده^۳

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

محمد رضا معصومی^۴

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

چکیده

محمد محسن شیرازی یکی از نویسندگان قرن یازدهم هجری است که نسخه خطی مجلس آرا را به زبان فارسی نوشته است. این اثر در اصل به زبان عربی بوده که توسط علی بن مبقری نویسنده هندی تبار جمع‌آوری شده است. آنگاه شیرازی داستان‌های بنی اسرائیلی متن عربی را که در هر یک رمزی اخلاقی وجود دارد، به فارسی ترجمه و گزارش و در آغاز هر مجلس چهل حدیث اخلاقی متناسب با متن نقل می‌کند تا شامل کتب اربعینات گردد؛ سپس احادیث را شرح و توضیح می‌دهد و در ضمن شرح احادیث، برای تأثیرپذیری بیشتر، به آیات قرآن و سروده‌هایی از شعرای بزرگ ادبیات فارسی (بیش از

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۳۰

۲. na.salami@iauyasooj.ac.ir

۳. m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir

۴. Mohammadreza.Masoumi@iau.ac.ir

صد بیت) از جمله مولانا، سعدی، سنایی، حافظ، نظامی و... استناد می‌کند. متن اثر نشان می‌دهد که نویسنده صاحب ذوق و معلومات ادبی بوده و از واژه‌های متقن و ترکیب‌های منسجم و مستحکم و مضمون‌های لطیف و بلند استفاده کرده که به سخن استادان برجسته قرون گذشته نزدیک است. جای‌جای کتاب به گونه‌ای است که می‌توان گفت شاهد کلام استاد سخن سعدی شیرازی در نوشتن گلستان در وی تأثیر داشته است. هدف از پژوهش حاضر، معرفی نسخه خطی مجلس آرا اثر محمدمحسن شیرازی است. روش این پژوهش، توصیفی تحلیلی است و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژه‌های کلیدی:

مجلس آرا، محمدمحسن شیرازی، نسخه خطی، اخلاق، اربعین‌نگاری.

۱. مقدمه

نسخه‌های خطی با ارزش‌ترین میراث ارزشمند نیاکان ماست. گذر زمان برخی از آنان را چنان سرنوشتی رقم زده که جز نامی و نشانی از آن نمانده است و برخی دیگر به دست فراموشی سپرده شده‌اند. این کتب به عنوان اسنادی معتبر، ضامن شناخت افکار و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و روش نگارش پیشینیان و الگوبرداری از محاسن آن‌ها و جلوگیری از تکرار و تقلید است.

شناسایی، معرفی و انتشار نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود، خدمتی به جامعه علمی و زبان و ادب فارسی است. در بین نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌ها آثار زیادی از متون منظوم و منثور وجود دارد. آثار برخاسته از فرهنگ مذهبی و اندیشه‌های معنوی می‌توانند روشنگر راه آیندگان در مسیر حق باشند. بررسی در این زمینه نشان می‌دهد در دوره صفویه که مذهب شیعه دوازده‌امامی در ایران به عنوان مذهب رسمی اعلام شد، نویسندگان این

عهد با همتی بیش از هر زمان دیگر به توسعه و ترویج علوم دینی و اخلاقی و علم حدیث همت گماشتند.

«دیانت تازه رواج یافته شیعه احتیاج به کتاب‌های مذهبی (انواع تفسیر قرآن، شرح نهج البلاغه، کتب فقهی، اخلاقی و...) به زبان فارسی داشت تا برای عموم مردم قابل استفاده باشد؛ از این رو تألیف کتاب‌های مذهبی در دوره صفویه رواج یافت» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

متون اخلاقی، زیرمجموعه نوع ادبی تعلیمی است که مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادب روایی و یا غیرروایی عرضه می‌دارد. از میان آن‌ها نسخه خطی موجود، مجلس آرا تألیف محمد محسن شیرازی که از جمله آثار اخلاقی روایی قرن یازدهم هجری است، انتخاب شد تا با تصحیح و معرفی آن به جامعه فرهنگ دوست، در دسترس همگان قرار بگیرد.

۱-۱. ضرورت تحقیق

ضرورت تصحیح و تحقیق در متونی که سند هویت ملی ما ایرانیانند، بر کسی پوشیده نیست. آشنایی با متون کهن فارسی نقش ویژه‌ای در شناخت آثار علمی و ادبی و ارتقای دانش نسل امروز و فردا خواهد داشت. در باب آثار ادبی، آن آراء و عقایدی که بر پایه متون صحیح، معتبر و اصل بیان شده باشد، صاحب اعتبار است. به عبارت دیگر، فایده تحقیق در تصحیح متون، احیا و نشر فرهنگ است.

از نظر اهل فن، پژوهش در متون اخلاقی-ادبی از ارزش و اعتبار فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در طول سالیان گذشته، به ویژه در زمان صفویه، نسخه‌های اخلاقی بسیاری نوشته شده و امروز به دست ما رسیده است و لازم است با روش علمی به جامعه معرفی شوند. یکی از این نسخ، مجلس آرا اثر محمد محسن شیرازی است. «ایران در دوره صفویه به تمدن عظیمی دست یافت. از این دوره آن قدر کتب خطی در گوشه و کنار به جا مانده است که قابل سنجش با هیچ دوره دیگر نیست. کتب تاریخی، عرفانی، دینی، ادبی، علمی، هنری و... که ارزش تصحیح و انتشار داشته باشند، در این میان کم نیست» (همان: ۲۳۰).

مجلس آرا براساس یکی از شیوه‌های علمی (تصحیح بر مبنای نسخه اساس) تصحیح شده است. بنابراین شناسایی اثر و معرفی نویسنده آن به جامعه ادبی ضرورت دارد.

۱-۲. بیان مسئله

نسخه‌های خطی، آن سخن‌گویان خاموش و دانایان بی‌زبان، گنجینه‌های گران‌بها و سرمایه‌های ملی و میراث علمی و ادبی هر فرهنگ و تمدن محسوب می‌شوند که با پشت‌سر نهادن فرازونشیب‌های ادوار گذشته، به نسل‌های متأخر رسیده است. «امروزه ارزش و اهمیت نسخ خطی بر اهل دانش، روشن است. این آثار ارزشمند تجربه‌های گران‌سنگ گذشته را به نسل‌های پسین انتقال می‌دهند. به همین دلیل، تصحیح و احیای این نسخه‌ها از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است» (شیخ ویسی، ۱۳۹۵: ۳۵).

نسخ خطی علاوه بر آنکه گنجینه‌هایی از علم، ادب، اخلاق و... به شمار می‌روند، هریک ویژگی‌هایی دارند که جایگاه و ارزش آن‌ها را دوچندان می‌کند. در برخی، هنر خطاطی به اوج رسیده است و در برخی دیگر، محتوا و مفاهیم خودنمایی می‌کند و در پاره‌ای از آن‌ها سبک نگارش، مد نظر محقق قرار می‌گیرد. این نسخ میراث ارزشمند و سودمند، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام به شمار می‌روند که حفظ و احیا و معرفی آن‌ها از ضروریات مهم و واجب برای اهل دانش است و نگهداری از آن‌ها نماد افتخار و هویت فرهنگی یک ملت محسوب می‌شود.

«بدیهی است که در گذشته و به‌خصوص قبل از پیدایش صنعت چاپ و تکثیر، انتشار مطالب علمی از طریق نسخه‌نویسی صورت می‌گرفته است. صحت و سقم مطالب آن به میزان دقت و اطلاع کاتبان بستگی داشته است. تحریفات و تصحیفاتی هم به‌اقتضای زمان و پیشینه نسخه‌نویسان در نگارش نسخه‌ها صورت گرفته است. اگر بخواهیم از این متون به‌نحو شایسته‌ای بهره‌برداری کنیم و سره را از ناسره بازشناسیم، باید ابتدا این آثار گران‌بها، یعنی نسخ خطی اصیل که میراث فرهنگی ما هستند، گردآوری و سپس براساس ضوابط خاصی آن‌ها را بررسی، بازخوانی و تصحیح نماییم. به این ترتیب، به منظور و مقصود مؤلف و آنچه از فکر و قلم

او تراوش کرده است دست می‌یابیم. به عبارت دیگر، باید متون را به شیوه علمی که در همه جهان رایج است، تصحیح نماییم» (فدایی، ۱۳۲۴: ۸).

با وجود آنکه در سنوات اخیر برای معرفی و احیای گنجینه‌های کهن مکتوب زبان و ادب فارسی پژوهش و تحقیقات زیادی صورت گرفته و آثار زیادی از گذشتگان به نسل امروز معرفی شده است، نسخه‌های بسیار ارزشمندی وجود دارد که هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند. یکی از این آثار، کتاب مجلس آرا اثر محمد محسن شیرازی است که نگارندگان ضمن تصحیح، قصد معرفی این اثر را دارند.

۳-۱. پیشینه پژوهش

تا آنجا که جست‌وجو شد، در خصوص معرفی نسخه خطی مجلس آرا تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده و محتوای اثر به صورت خاص معرفی نشده است. فقط مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی» (سلامی و همکاران، ۱۴۰۱) در مجله سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی نوشته و چاپ شده است. لذا پژوهشی مستقل و جامع در زمینه معرفی اثر و نویسنده نسخه ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۱. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی و براساس نسخه‌های خطی مجلس آرا انجام شده است.

۲. معرفی مؤلف

با کاوش و تفحص فراوان در تذکره‌ها و فهرست‌ها و با وجود فراوانی تذکره‌های عصر صفوی، متأسفانه جزئیات زندگی و شرح احوال نویسنده در هیچ کتابی یافت نشد. از تاریخ ولادت و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. با توجه به اشارات مندرج در مجلس آرا، همین‌قدر می‌دانیم که در قرن یازدهم هجری زندگی کرده است. نام اصلی نویسنده «محمد» ولی به

«محمد محسن شیرازی» مشهور بوده است. «فقیر المحتاج الی رب الغنی محمد المدعو بمحسن شیرازی» (شیرازی، بی تا: ۶). در *دنا*، *فنخا* و *الدربیعہ* با نام محمد محسن شیرازی معرفی شده است. منزوی در فهرست‌واره کتاب‌های فارسی ذیل عنوان *مجلس‌آرا* نویسنده اثر را ملا محمد محسن شیرازی نامیده است (نک: منزوی، ۱۳۴۸: ۴۶۸). از آنجاکه در دیباچه، مدح امامان شیعه نموده و در متن اثر از احادیث امامان شیعه بهره گرفته، می‌توان گفت که مسلمان و پیرو مذهب شیعه بوده است. «و درود نامحدود ما بر ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین که اهل بیتی کالنجوم ما بهم بایهم اقتدیتم اهتدیتم شأن ایشان را لایق آمده، مقتدای خاص و عام گردیدند. و بر اصحاب ایشان که به نور صحبتشان طریق هدایت نموده، به سعادت نشأتین رسیدند و به نور محبتشان مقام رضا گزیدند» (شیرازی، بی تا: ۶). چون که مدح والی شیراز امام و یردی‌بیگ نموده و کتاب را به وی تقدیم کرده است و از پسوند شیرازی بعد از اسم استفاده شده، محتمل است که اهل و ساکن شیراز بوده است.

۳. معرفی اثر

مجلس‌آرا اثری است ارزشمند با موضوع اخلاقی-روایی که نویسنده چهل حدیث از کتب حدیث شیعی انتخاب کرده و با ذکر راویان حدیث، ترجمه، شرح و توضیح داده است. سپس چهل داستان بنی اسرائیلی را که علی بن مقبری نویسنده هندی تبار به عربی جمع‌آوری کرده بود و در هر یک رمزی اخلاقی وجود دارد، به فارسی ترجمه نموده و بعد از هر حدیث آورده است. به جز فهرستگان نسخه‌های خطی (فنخا) و دست‌نوشته‌های *ایران* (دنا) اثری دیگر که از او نام برده، *الدربیعہ الی تصانیف الشیعہ* تألیف علامه شیخ آقابزرگ تهرانی است که به صورت خیلی مختصر *مجلس‌آرا* را این گونه معرفی می‌کند: «فارسی کبیر مرتب علی اربعین مجلساً یذکر فی کل مجلس اولاً حدیثاً اخلاقياً ثم یشرحه بایراد حکایات و قصص مناسبه استخراجها استشهاداً بها للحدیث المذكور اولاً مستخرجاً لها من کتاب علی بن مقبری بعد ترجمتها الی الفارسیه، ألفه

المولی محمد محسن شیرازی و أهدهاء إلی السلطان شاه سلیمان الصفوی، المتوفی ۱۱۰۶، المجلس الأول فی ابتلاء الأولیاء، الاخیر فی حدیث من حفر بئراً لأخیه وقع فیہ، رأیته عند السید جلال الدین الأرموی بخط شریف بن آقا باقر الشلمانی الرانکوی کتبه فی قریة شلمان فی دار محمد إسماعیل (۱۲۴۶) (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۱۳، ج ۲۰: ۱۱). ذکر این نکته لازم است که آقابزرگ تهرانی در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعه* آورده: «أهداه إلی السلطان شاه سلیمان الصفوی»؛ در حالی که در متن همه نسخ آمده که کتاب را به امام ویردی بیگ اهدا نموده است. همچنین اصل اثر براساس همه نسخ خطی از علی بن مقبری است ولی آقابزرگ تهرانی نوشته: «مستخرجاً لها من کتاب علی بن مقری».

منزوی در کتاب *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، جلد دوم بخش فلسفه عملی، مجلس آرا را به عنوان اثری در اخلاق دینی معرفی می‌کند که در چهل مجلس (دیباچه) در سده یازدهم نوشته شده است (منزوی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۱۶۷۸).

جمع‌آوری و تنظیم این کتاب، به احتمال قوی در قرن یازدهم انجام گرفته است؛ زیرا محمد محسن شیرازی در عهد شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و کتاب را به امام ویردی بیگ، والی و حاکم شیراز، تقدیم نموده است. با توجه به اینکه امام ویردی بیگ در تاریخ ۱۱۰۰ ق وفات یافته است (نک: حسینی فسایی، ۱۳۹۲: ج ۲، ۴۹۰).

بنابراین می‌توان گفت تألیف کتاب *مجلس آرا* باید در قرن یازدهم اتمام یافته باشد. از آنجاکه در خصوص معرفی *مجلس آرا*، منبع مشخصی وجود ندارد، تنها اطلاعاتی که با تکیه بر متن اثر می‌توان به آن اشاره کرد به این شرح است: نام اصلی اثر، *مجلس آرا* است. «تسمیه به مجلس آرا شد» (شیرازی، بی تا: ۶)؛ ولی نام‌های دیگری نیز برای اثر آمده است: کتاب اربعین «هذا کتاب اربعین» (شیرازی، ۱۲۵۷: ۱) و یا حدیث مجلس آرا «هذا کتاب حدیث مجلس آرا» (همو، ۱۲۶۰: ۱). آن‌گونه که در برخی منابع و خود اثر آمده است، اصل کتاب از علی بن مقبری، نویسنده هندی، به عربی بوده - از متن عربی اثری در دست نیست - که محمد محسن شیرازی آن را به

فارسی ترجمه کرده است. «نسخه‌ای است نفیس موسوم به مجلس‌آرا که محمد المدعو بمحسن شیرازی از کتابی که علی بن مبقری به عربی نوشته به فارسی ترجمه نموده» است (همو، بی‌تا: ۶). علاوه بر ترجمه متن عربی، شیرازی چهل حدیث با شرح و تفسیر نیز به آن افزوده است.

۴. متن‌شناسی مجلس‌آرا

۴-۱. فواید اخلاقی و تعلیمی اثر

در فرهنگ و ادبیات ایرانی-اسلامی متون اخلاقی و تعلیمی جایگاه و اهمیت خاصی دارند؛ این متون روابط تنگاتنگ با آیات و احادیث و داستان‌های تعلیمی دارد. بررسی متن مجلس‌آرا نشان می‌دهد که نویسنده در این اثر به مباحث اخلاقی و تعلیمی پرداخته و با استفاده از آیات قرآن و احادیث و داستان‌های بنی‌اسرائیلی، به مخاطب کمک می‌کند تا به فهم دقیقی از موضوعات ارزشمند معنوی دست یابد.

مجلس‌آرا شامل موضوعاتی است که به تقویت فضایل اخلاقی مانند صبر، توکل، عدل، توبه، ورع، استغفار، استدراج و قناعت پرداخته و خواننده را به الگوگیری از این صفات تشویق می‌کند. همچنین به ترک رذایل اخلاقی مانند حرص، خیانت، تهمت، ظلم و پیامدهای منفی آن‌ها اشاره دارد. این اثر مفاهیم دینی مانند ایمان، عبادت خالصانه، اخلاص در دعا، ردّ صدقه، عمل نیک، نیت خالص، فضل و رحمت الهی، و یقین را ترویج داده و افراد را به نیکوکاری و رفتار مثبت اجتماعی، مانند نیکی به والدین، ترک معصیت، دستگیری نیازمندان، دوری از تهمت، اقرار به گناه، خوف الهی، عبادت از روی اخلاص، بندگی خدا و رحم بر حیوانات ترغیب نموده است. کتاب همچنین بر پیامدهای اعمال انسان تأکید دارد؛ به طوری که ترک معصیت و توبه موجب رهایی از بلاها و نیکوکاری موجب سعادت و نجات می‌شود، درحالی که ظلم و خیانت باعث خسران آخرت می‌گردد. این آموزه‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به اهمیت اعمال

خود در زندگی دنیا و آخرت توجه داشته باشد و از طریق بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، به سعادت و نجات دست یابد. در ادامه به برخی از موارد پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. بندگی خدا

عبودیت در زندگی یکی از ویژگی‌های دینی است تا به فضل الهی برسی و قلم عفو بر تقصیرت کشیده شود. برای گناهکاری که اظهار عبودیت خدا می‌کند، فضل الهی شاملش می‌گردد و قلم عفو بر گناهان وی کشیده می‌شود، شیرازی این بیت از حافظ را می‌آورد:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که دوست خود روش بنده‌پروری داند

(حافظ، ۱۳۷۴: ۲۳۸؛ شیرازی، بی‌تا: ۱۱۱)

۴-۱-۲. فایده توکل به خدا

توکل چراغ امید و هدایت همه مؤمنان است. شیرازی به ما یادآوری می‌کند که توکل واقعی بر خداوند، پایه و اساس یک زندگی کامل و موفق است. با اعتماد به خداوند متعال می‌توانیم پیچیدگی‌های زندگی را با ایمانی تزلزل‌ناپذیر طی کنیم و بدانیم که او منبع نهایی قدرت، پشتیبانی و تحقق ماست. «در منزلت توکل ابتدا حدیثی از امام جعفر صادق (ع) می‌آورد؛ سپس داستانی از حضرت داود نقل می‌کند و در پایان چنین می‌آورد که: پس توکل کردن به حق سبحانه و تعالی ثمره‌اش آن است که روزی مهیا از جانب حق تعالی حاضر گشته و بر آن قناعت کنند؛ که متوکلون را کفیل رزق ایشان حق تعالی است که چنانچه در کلام عزیز آمده، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هرکس بر خدا توکل نماید خدا او را کفایت می‌کند. توکل جامی است سربیه‌مهر حق، نمی‌آشامد از آن جام مگر توکل‌کنندگان. ای عزیز سعی کن و جهد نما که توکل را به دست آوری. هرگاه ملکه توکل از برای تو حاصل گردد، جمیع مهمات دنیوی و اخروی تو را حق تعالی کفیل و ضامن خواهد بود» (نک: شیرازی، بی‌تا: ۴۴-۴۵).

۴-۱-۳. فضل و رحمت الهی

هر عملی در دنیا در زندگی تأثیرگذار است. در قرآن، سخن از فضل و رحمت الهی به میان آمده و اگر فضل و رحمتش نباشد، عواقب بدی به دنبال خواهد داشت. «به اسناد مذکور از خلاصه موجودات و شفیع عاصیان در عرصات رسول مدنی صلی الله روایت گشته که هرگاه روز قیامت آشکارا گردد، تمام خلایق در صحرای محشر جمع گردند. حضرت حق سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى تَجَلَّى می‌فرماید نور خود را بر بنده‌ای از بندگان خود، پس مطلع می‌گرداند او را به گناهان در دنیا که از او صادر گشته و یک‌یک از گناهان را تعداد می‌نماید و بعد از آن به فضل و مرحمت خود می‌بخشد گناهان او را به نحوی که او واقف و مطلع نمی‌گردد بر گناهان خود و می‌پوشد و مستور می‌گرداند گناهانی را که ناخوش و مکروه بوده باشد و حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌فرماید که: خداوندا اگر خواهی که گناهان را به ما عفو فرمایی، به تفضل عمل نمای و اگر می‌خواهی که ما را عذاب کنی، عمل به عدل خود فرمای» (همان: ۱۳۶).

۴-۱-۴. ورع

ورع در لغت به معنای پارسایی و پرهیزکاری است. ورع حالتی در وجود انسان است که به نگهداری کامل نفس و ترس از لغزش منجر می‌شود. «ای عزیز ورع و تقوا را به دست آر تا بهشت را به آسانی به دست آورده باشی. ورع و تقوا موجب قرب الهی می‌گردد و وسیله دخول جنت است. عَلَیْكُمْ بِالْوَرَعِ یعنی که لازم ورع باشید» (همان: ۹۸).

۴-۱-۵. اخلاص در دعا

دعا کلید برآمدن مطلب‌هاست و در هر مطلبی که بسته گردد، فتح و گشایش آن به کلید دعا است. و دعا مفتاحی است از جهت فلاح و رستگاری و بهتر دعا آن است که از سینه صاف بی‌غش از وسواس شیطانی و معرّاً از کدورات نفسانی باشد و از روی خضوع و خشوع صادر شود؛ به یقین سبب نجات و رستگاری خواهد شد. و دعا که از روی اخلاص باشد، باعث نجات خواهد گشت. «ای عزیز سعی و جهد نما در دعا به حیثیتی که دعا، در دل شب مفتاحی است از برای فلاح که کلید مطلب می‌شود و مفتاح مقصدت گردد. پس باطن خود را مبراً از صفات

ذمیمه مثل حقد و حسد و کینه و بُغض و غیر این‌ها ساز تا تیر دعای تو به هدف اجابت رسد. از جواهر داروی دیده هدی حضرت علی مرتضی علیه الصلوة والسلام مرویست که: به چهار شرط دعا به اجابت می‌رسد: اول، حاضر ساختن نیت در قلب خود از روی جزم و یقین؛ دوم، به اخلاص قلبی که مغشوش به امر دیگر نباشد سواى مطلب متوجه امری دیگر نگردد؛ و سیم معرفت مسئول را یعنی داند که مطلب مقصد خود از درگاه واجب‌الوجود می‌نماید؛ و فاعل خیر است و صدور شر از آن محال است و صفات کمالیه او عین ذات است و از او سمت عیب مبراً است و از شائبه نقص معراً؛ خالق عالم است و جمیع موجودات به او محتاج‌اند و عالم افلاک و عناصر به وجود او قائم‌اند چهارم اصناف در مسئله است؛ یعنی بسط کفین خود کنند و یدین را به جانب حق تعالی بلند سازد. از روی جزع و فزع مطلب خود را از حق سبحانه و تعالی درخواست کند و مسئلت در چیزی کند که شایسته او باشد. پس اگر کسی این شروط را در دعا به جا آورد، به یقین دعای او به هدف اجابت می‌رسد» (همان: ۶۸).

۴-۱-۶. احترام و نیکی به والدین

یکی از مضامین اخلاقی نیکی کردن به پدر و مادر است. در بیان نیکی به والدین در «مجلس هفدهم به آیه شریفه و لَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ و آیه شریفه وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا می‌پردازد. یعنی حق سبحانه و تعالی می‌فرماید که: ای محمد (ص) بر جمیع مکلفین است که پرستش نکنید کسی را به جز حق تعالی، که او خداوند بحق است؛ پرستش او را سزااست. پس کسی دیگر سزاوار پرستش نیست که در این آیه شریفه نیز حکم فرموده به احسان مادر و پدر خود که از جمله عبادت است؛ یعنی عبادت حق جَلَّ و عَزَّ در کمال مبالغه است در برِّ و احسان پدر و مادر. روایت است که حضرت امام محمد باقر (ع) هرگز با والدین چیزی نمی‌خورد ولیکن سبب را از آن حضرت استفسار نمودند. گفت که: می‌ترسم سبقت کنم بر لقمه‌ای که نظر ایشان در آن لقمه باشد که موجب عاق من شود. و در پایان آورده است: ای عزیز اگر خواهش بهشت داری اطاعت والدین را به جا آور، و ایشان را از هیچ جهت میازار، تا به بهشت داخل

گردی و در طریق آداب اطاعت، چنین منقول است که عزت و احترام ایشان را بر خود فرض باید شمرد. کاری که خلاف رضای ایشان باشد مرتکب نباید شد و به اسم نباید ایشان را خواند و تمام اوقات خصوصاً در رمضان، استجابت دعوات ایشان را به دعای خیر یاد می‌باید کرد. اگر کسی این طریقه را ملکه نماید، بلاشک جنت را مالک و صاحب خواهد شد. اطاعت والدین سبب آمرزش و حیات دارین خواهد بود» (نک: همان: ۱۰۷-۱۰۹).

۴-۱-۷. فواید صدقه

در بیان آنکه پرداخت صدقه موجب زیادتی مال و ثواب است و قصد آن دارد که مخاطب را ترغیب به صدقه دادن بکند. علاوه بر استفاده از آیات و روایات از این بیت سعدی بهره می‌گیرد. تو نیکوئی کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز (سعدی، ۱۳۲۰: ۲۱۲؛ شیرازی، بی‌تا: ۲۱)

۴-۱-۸. حمد الهی، نعت پیامبر(ص) و مدح امامان شیعه(ع)

مقدمه کتاب با حمد و ستایش پروردگار آغاز می‌شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حمد بی حد و مدح بی عد مبدعی را سزاست که عقول مجرده و نفوس قدسیه را واسطه ایجاد عالم ساخت و به جواهر جسمانیه و اغراض متنوعه عالم کون و فساد را پرداخت. ستایش خالقی را رواست که به امر کن، این جهان فانی را از تنگنای عدم به فضای وجود جلوه‌گر ساخت و به وجود فیاض انبیا و اولیا انتظام این نشأه را بیاراست...

توانایی که در یک طرفه‌العین	ز کاف و نون پدید آورد کونین
چو قاف قدرتش دم بر قلم زد	هزاران نقش بر لوح عدم زد
ز فضلش هر دو عالم گشت روشن	ز فیضش خاک آدم گشت گلشن»

(همان: ۵)

سپس به مدح پیامبر اکرم(ص) پرداخته است. «صلوات ذاکیات بی غایات بر شمع محفل ثمّ دنی فتدلی، سرو بستان فکان قاب قوسین او ادنی، عالم بشر و علم ما لا تعلم، عندلیب هزار

دستان انا سید ولد آدم محمد مصطفی (ص) و برگزیده خدا که او را تاج کرامت "لَوْ لَأَكَلَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ" بر فرق و تارک نهاد و نهال اعتدالش را به زیور "وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ" (ص) زیندگی داد...

شهی کز ازل تا ابد هرچه هست	به آرایش نام او نقش بست
چراغی که انوار بینش بدوست	فروغ همه آفرینش بدوست
درختی سهی سایه در باغ شرع	زمینی به اصل، آسمانی به فرع
چراغی که تا او نیفروخت نور	ز چشم جهان روشنی بود دور

(همان: ۵)

در ادامه حضرت علی بن ابی طالب (ع) و دیگر ائمه هدی و اصحاب ایشان را مدح نموده است: «تحيات بي نهيات بر مصدوقه كريمه انما وليكم الله، جناب ولايت مآب نفس رسول رب العالمين بالنص الميين مقتداي اول و خليفه بلافضل اسدالله الغالب مطلوب كل طالب مظهر العجايب و مظهر الغرايب واقف معارج، لاهوت عارف مدارج، ناسوت ناصب اعلام ناقب، امير المؤمنين علي بن ابی طالب عليه الصلوة والسلام که او را افسر لولا خلقتک بر سر نهاد و حضرت رسول لوی انا مدینه العلم و علی بابها به نام نامی او برافراشت...

چراغ شبستان دلها علی	کزو ظلمت کفر شد منجلی
امامی که بی باده مهر او	نخیزد کسی از لحد سرخرو
به شمشیر آن شاه والاگهر	جدا شد حق و باطل از یکدگر
نبی و علی هر دو نسبت به هم	دو تا و یکی چون زبان قلم
دو سر چون قلم لیک از جان یکی	زبانشان دو تا و سخنشان یکی

(همان: ۵)

درود نامحدود ما بر ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین که اهل بیتی کالنجوم ما بهم بایهم اقتدیتم إهتدیتم شأن ایشان را لایق آمده، مقتدای خاص و عام گردیدند. و بر اصحاب ایشان که

به نور صحبتشان طریق هدایت نموده، به سعادت نشأتین رسیدند و به نور محبتشان مقام رضا گزیدند» (همان: ۵).

۴-۹-۱. مدح شاه سلیمان صفوی و امام ویردی بیگ حاکم شیراز

شیرازی در ادامه به مدح شاه سلیمان صفوی پرداخته است: «جمع و تألیف این مجموعه که مکارم اخلاق است، به حلیه انجام به کسوت اتمام در زمان پادشاهی درآمد که بساط عالم به نور عدل شاملش روشن گشته... رأی منیرش به موجب **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ** زنگ ظلمت از آیینۀ صفحه روزگار زدوده، و عزم مستقیمش به حکم **السُّلْطَانُ الْعَادِلُ ظِلُّ اللَّهِ** پرتو عدالت بر فرق جهانیان گسترانیده.

خدیو جهان رحمت کردگار	که آسوده در سایه‌اش روزگار
ز بس عدل او بسته راه خلاف	شده زنگ بر تیغ عالم غلاف
بر ایوان عدل شه کامران	کمین سطر زنجیر نوشیروان

آفتاب سپهر دولت اقبال، سایه رحمت قادر ذوالجلال، اولاد ائمه طاهرین، مصداق کریمهٔ رحمة اللعالمین، السطان بن السطان الخاقان شاه سلیمان الصفوی بهادرخان ایدالله تعالی علی العالمین انوار رحمت الازل اعلم» (همان: ۸).

در ظل آفتاب تو آسوده‌اند خلق	یارب مباد تا به قیامت زوال تو
------------------------------	-------------------------------

(همان: ۹)

سپس ضمن مدح والی و حاکم شیراز امام ویردی بیگ، کتاب را به وی تقدیم کرده است. «چون احادیث این کتاب مشتمل بر مواعظ و متضمن رشحات بالغه نصایحی بود که چمن دل‌های پژمرده را شکفته می‌ساخت... مناسب و لایق دید که نثار مجلس شریف و محفل منیف صاحب‌شوکتی نماید که لوای اعلیٰ علم در این خطه از حسن تربیتش برافراخته گردید و شقهٔ

اعلام رایش به تقویت اهل علم در بلده‌ای بر فلک رسید. به دور عدلش فتنه در گوشه چشم خوبان به خواب رفت...

به دور عدل تو نوعی مخالفت برخاست که اتفاق درآمد میان آتش آب
به هر کجا که نسیم عدالت تو وزید اساس ظلم چو قصر حباب گشت خراب

مجموعه مکارم اخلاق و شمیم سوزنده خرمن ظلم و ستم، مالک ممالک جود و احسان، سالک مسالک برّ و امتنان. صیت فضایلش نه چنان عرصه جهان را پر کرده که طوطی ناطقه در مدحش نغمه سرا تواند گردید. ارقام مناقبش نه آن قدر میدان صفحه را تنگ فضا ساخته که ابلق خامه را سر میدان مددی تواند دوید. صاعد مناهج وزارت و نامداری، عارج معارج امارت و بزرگواری، مقرب الحضرت الخاقانی آصف سلیمان ثانی، امام ویردی بیگ لا زال دَوْلَتُهُ وَ ظِلُّ رَأْفَتِهِ عَلَى مَفَارِقِ الْأَنَامِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (همان: ۸).

و با دو بیت شعر به حمد و ثنای دوستان و ذم و نکوهش دشمنان حاکم شیراز پرداخته است.

چون نیارم از ثنایش دم زدن دست در خیل دعا خواهم زدن
دوستانت بر بساط عزّ و ناز دشمنان چون شمع در سوزوگداز

(همان: ۹)

«برخی از اقدامات امام ویردی بیگ در شهر شیراز می توان به تعمیر مسجد جامع عتیق شیراز، احداث مدرسه امامیه، وقف املاک برای استفاده مدرسه، احداث کاروانسرای امامیه و غیره نام برد» (حسینی فسایی، ۱۳۱۴: ۴۸۸).

شیرازی در مدح امام ویردی بیگ چنین آورده است: «اگر نه عزم صیانتش راه تعمیر این ولایت پیمودی، شیرازه اوراق او از هم گسستی؛ و اگر نه محی اساس او گشتی، افراد زوایای مساجد و تکایا از یکدیگر پاشیدی.

گذشت شهرت آبادی اش ز هفت اقلیم تو چون خرابه شیراز را شدی معمور

(شیرازی، بی تا: ۸)

۵. نسخ خطی مجلس آرا

براساس اطلاعات موجود در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، «هشت نسخه خطی از مجلس آرا در کتابخانه‌ها موجود است» (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۸: ۱۳۴). باتوجه به اینکه نسخه کتابخانه قم - مرکز احیای عکسی از نسخه کتابخانه خوانسار - فاضل است پس تعداد هفت نسخه خطی از اثر، موجود است: ۱. نسخه شماره ۳۶۵۲، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ ۲. نسخه شماره ۲۵۱۴، کتابخانه دانشگاه تهران؛ ۳. نسخه شماره ۲۶۱، کتابخانه مسجد اعظم قم؛ ۴. نسخه شماره ۱۷۳۸۱، کتابخانه مجلس؛ ۵. نسخه شماره ۱۰۲۳۰، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم؛ ۶. نسخه شماره ۶۰۱۸، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم؛ ۷. نسخه شماره ۳۲۲، کتابخانه فاضل - خوانسار.

۵-۱. معرفی نسخه‌ها

الف) نسخه شماره ۳۶۵۲ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه، ۱۸۸ برگ دارد و هر صفحه آن دارای ۱۸ سطر است و با خط نستعلیق و جوهر مشکی و عنوان‌ها و نشانی‌ها با جوهر قرمز (شنگرف) نوشته شده است. دارای جلد چرمی (تیماج) با رنگ قهوه‌ای است. براساس فهرست‌های «دنا» و «فنخا»، در قرن یازدهم هجری قمری توسط جعفر بن حاجی حسین دیلمانی کتابت شده است؛ اما سال کتابت در نسخه مشخص نشده و یا از بین رفته است.

این نسخه به دلیل کامل بودن و نداشتن افتادگی و نیز اقدم بودن (طبق فهرست نسخ)، به عنوان نسخه اساس انتخاب شده است.

آغاز: بسمله؛ حمد بی حد و مدح بی عد مبدعی را سزاست که عقول مجرده و نفوس قدسیه را واسطه در ایجاد عالم ساخت... .

انجام: ... به همین قدر اکتفا نمود. امید که خواننده و شنونده از این احادیث متأثر گردند و به اعمال آن پردازند و به ثواب اخروی رسند. آمینُ یا ربَّ العالمینَ تَمَّتْ بِالْخَيْرِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَ لَوَالِدَيْهِ وَ أَحْسِنُ إِلَيْهِمَا وَ إِلَيْهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى تَوْفِيقِ تَسْوِيدِهَا وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّهِ وَ لَكُمْ وَ بَعَثَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

ب) نسخه شماره ۲۵۱۴، در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه دارای ۲۱۵ برگ است و هر صفحه ۱۷ سطر دارد؛ با خط نستعلیق و جوهر مشکی. عناوین و نشانه‌ها با جوهر قرمز به دست میرزا ربیع عطار لنگرودی به تاریخ محرم سال ۱۲۰۴ هجری قمری کتابت شده است. این نسخه به عنوان نسخه بدل استفاده شده است. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

ج) نسخه شماره ۲۶۱ که در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می‌شود و دارای ۱۹۹ برگ است و هر صفحه آن ۱۵ سطر دارد و با خط نستعلیق و جوهر مشکی و عناوین و نشانه‌ها با جوهر قرمز (تیماج) توسط جوانمرد بن ابراهیم خویینی است و در هجدهم شعبان سال ۱۲۵۷ هجری قمری کتابت شده است. این نسخه نیز به عنوان نسخه بدل استفاده شده است. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

د) نسخه شماره ۱۷۳۸۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و دارای ۹۸ برگ است و هر صفحه ۲۴ سطر دارد. به دست موسی بن علی بن ملا سلیمان بهشتی با خط نستعلیق و جوهر مشکی و عناوین و نشانه‌ها با جوهر قرمز در سال ۱۲۶۰ هجری قمری کتابت شده و دارای جلد چرمی قهوه‌ای (تیماج) است. این نسخه به عنوان نسخه بدل استفاده گردید. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

ه) نسخه شماره ۱۰۲۳۰ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. خط اثر نستعلیق دارای ۱۸۷ برگ و ۱۶ سطر است که در ۵ رجب ۱۲۴۲ ق توسط صفرعلی بن حسین علی شلمانی کتابت شده است. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

و) نسخه شماره ۶۰۱۸ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در شهر قم نگهداری می‌شود. کاتب نصیر بن شیخ ابراهیم بن شیخ بهاء‌الدین جبل عاملی شالی المسکن در تاریخ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۲۶۸ ق به جهت آقا سید علی مشهور به میرزا بزرگ کتابت شده است. دارای جلد تیماج و ۱۰۰ برگ و هر برگ ۲۱ سطر دارد. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

ز) نسخه شماره ۳۲۳ در خوانسار کتابخانه آیت‌الله فاضل نگهداری می‌شود. به دست عبدالعلی در تاریخ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۴۳ ق کتابت شده است. مجدول و دارای جلد تیماج ۱۵۶ برگ و ۲۲ سطر دارد. آغاز و انجام: برابر با نسخه اساس.

ح) نسخه عکس شماره ۸۵۲ در کتابخانه مرکز احیای قم نگهداری می‌شود. نسخه اصل، نسخه کتابخانه فاضل است.

۲-۵. ویژگی‌های رسم‌الخطی

آثار در دوره‌های مختلف تاریخی شیوه رسم‌الخط متفاوت دارند. برخی از ویژگی‌های بارز رسم‌الخط نسخه خطی مجلس آرا آورده می‌شود.

* در سراسر نسخه «گ» به صورت «ک» نوشته شده است:

همه عبادتش مردود کشته و قبول درگاه احدیت نشده (شیرازی، بی تا: ۷۰).

کسی که در دلش رحم نباشد نمی‌گذارم که از من درگذرد (همان: ۷۱).

* حرف اضافه «به» در اکثر موارد متصل به کلمه بعد از خود کتابت شده است:

بمقدرات الهی صبر کن (همان: ۷۶).

بفقرا و مستحقین عطیه می‌کرد (همان: ۹۶).

قرب و منزلت شما حاصل نمی‌شود بجناب باری مگر بورع و تقوی (همان: ۷۶).

* عدد و معدود در اغلب موارد به صورت متصل نوشته شده است:

اگر یکصغیره از شما و صادر گردد (همان: ۷۴).

عمر از پنجه گذشت و یکسجود کت بکار آید نکردی ای جهود (همان: ۸۰).
پس ایشان نیز به یکسجده صحّت او را از درگاه بی نیاز طلب نمودند (همان: ۱۶۸).

✽ «می» متصل به فعل نوشته شده است:

فرمود قسم میخورم (همان: ۹۴).

شما دروغ میگویید (همان: ۷۹).

روی در صحرا نهاد و میگفت (همان: ۹۸).

✽ ضمائر «این» و «آن» معمولاً با کلمه بعد از آن متصل نوشته شده است:

حیات اینقوم را به باد نیستی داده مستوجب اینعقوبت گشته اند (همان: ۷۸).

فرزند خلف آنشخص مردی از اهل صلاح و عبادت بود (همان: ۸۱).

آنحضرت فرمودند (همان: ۸۹).

اینخبر را اصحاب به سمع شریف حضرت رسانیدند (همان: ۵۱).

اینعمل را به فرق صاحبش زیند (همان: ۷۱).

✽ در برخی موارد کلمات مرکب متصل کتابت شده است:

یا عیسی از حق تعالی طلب نما (همان: ۸۸).

مگر آنکه فرح و خوشحالی از جانب حق سبحانه و تعالی به او رسد (همان: ۵۱).

حضرت فرمودند بتحقیقیکه تلقین کرده است (همان: ۵۱).

بهیچوجه تسلطی به او نمی یافت (همان: ۹۲).

در عبادت و حق پرستی مشغول گشته بحیثیکه از عباد بنی اسرائیل گشت (همان: ۵۲).

✽ حذف «ه» هنگام جمع بستن با نشانه جمع «ها»:

مگر آنکه ظاهر گردد در دل او چشمهای (چشمه‌های) صافی حکمت (همان: ۹۱).

گیاهها = گیاهها

یاوها = یاوه‌ها

* معمولاً همزه یا الف است حذف گردیده و نوشته نمی‌شود:

در فلان ولایت قریه‌ایست که در نهایت نزاهت و سرسبزی... (همان: ۱۲۰).

شیرییست در لباس شب پنهان یا پلنگی است در آثار زنگیان مستور بلکه آهوئیست خطایی (همان: ۱۲۰).

ملکی که موکل آسمانست می‌گوید (همان: ۷۱).

از حضرت پرسیدم که خیال چیست فرمودند: که چرکیست متعفن و بدبو... (همان: ۱۴۷).

* آوردن «ء» به جای «ای» در سراسر نسخه:

اگر عارضه روی دهد (همان: ۱۴)؛ در گوشه به عبادت نشست (همان: ۱۲۶)؛ پس او را سایه نمی‌باشد (همان: ۱۲۹).

* کلمات عربی که به «ة» ختم می‌شوند بعضی مواقع با «ة» و گاهی با «ت» کتابت شده است:

یک سال در آن مغاره عنقاصفت از نظر مردم پنهان بودی (همان: ۱۱۶).

ایشان کبوترصفه از برج قبور پرواز نموده (همان: ۷۰).

به جهه اینکه من فرشته غییم... (همان: ۷۱).

* فقط تنوین نصب (أ) در متن درج شده است:

خالصاً مخلصاً لوجه الله تصدق نمودی (همان: ۱۲۱).

اگر سهواً یا خطاً مرتکب صغیره شوند، توبه از آن می‌کنند (همان: ۶۵).

ذنوب جمعاً کبیره است (همان: ۶۷).

آنچه در حیطة تصرف آن مرد صالح بود عدواناً از او گرفتند (همان: ۱۷۷).

* در برخی موارد به جای (ق) حرف (غ) استفاده شده است:

از غافله سالار ممالک قدم مقصود آفرینش لوح و قلم... (همان: ۷۳).

بی‌رفیق و بی‌غافله (همان: ۵۱).

* در برخی موارد به جای حرف «پ» حرف «ب» نوشته شده است:

و طریق ادب را بیشه نموده (همان: ۱۶۴).

* تبدیل «پ» به «ف»:

فتح و فیروزی از یمین و یسارش به جنیت کشی معروف (همان: ۸).

۶. گذری بر تاریخچهٔ اربعین‌نگاری (چهل حدیث)

نگارش مجلس آرا به شیوهٔ کتب اربعینیات است؛ لذا لازم است پیشینه‌ای مختصر در باب اربعین‌نویسی آورده شود. نگارش اربعین سابقه‌ای دیرین دارد و دربرگیرندهٔ چهل حدیث از پیامبر اسلام (ص) است که به دلیل اجر و پاداش اخروی و ترویج و معرفی احادیث، در بین متشرعین رواج داشته است. این سنت حسنه از قرن‌های نخستین تاریخ اسلام در بین علمای اهل سنت و شیعه آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد؛ «که طبعاً غلبه با تألیف‌های عالمان اهل سنت است» (صفا، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۵۵).

بنیاد شریعت اسلام، پس از وحی بر سیره و گفتار پیامبر اسلام (ص) نهاده شد. «امام کاظم (ع) نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا؛ هر کس از امت من چهل حدیث را که مورد حاجت مردم باشد حفظ نماید خداوند بزرگوار او را فقیه و عالم محشور گرداند» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۳۹۰) حدیث مذکور با اندک تغییری در بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۳)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (ابن بابویه، ۱۳۶۴: ۱۳۴)، النخصال (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق: ۵۴۱)، الاختصاص (مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۱)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۹۶)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۸۹ و ۲۹۹)، الامالی شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۰۶) و... ذکر شده است.

«حدیث‌شناسان برای واژه حَفِظَ در حدیث مذکور معانی ظاهری و باطنی قائل شده‌اند. معانی ظاهری این واژه عبارت‌اند از: به حافظه سپردن، نگارش، انتقال، کتابت و تحریر، حفاظت از تغییر و تحریف، تدریس و تصحیح صحیح و تحمل حدیث و معانی باطنی آن را تفکر و تعمق در احادیث، استنباط احکام و معارف و عمل به مضامین احادیث دانسته‌اند» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۷).

«بسیاری از عالمان شرع از سده‌های سوم و چهارم به گرد آوردن یا شرح کردن کتاب‌هایی به نام اربعین پرداختند» (صفا، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۵۵). تاکنون اربعین‌های منشور زیادی به زبان فارسی و عربی با موضوعات اعتقادی، اخلاقی، عبادی و... نوشته شده است که برای نمونه می‌توان به این آثار اشاره کرد. «نوری شافعی (م. ۶۳۱ق) نخستین نگارنده اربعینیات را عبدالله بن مبارک مروزی (م. ۱۱۸ق) از زاهدان متقدم دانسته است» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۴). «کفایت المهتدی فی معرفت المهتدی از میر محمد لوحی متخلص به نقیبی از جمله اربعینیات و مشتمل است بر حدیث‌های چهل‌گانه که همه ترجمه، شرح و تفسیر شده است و در سال ۱۰۸۳ به پایان رسانیده است» (صفا، ۱۳۷۰، ج ۵: ۱۳۷).

کتاب *الاربعون حدیثاً* از شیخ بهایی (م. ۱۰۳۰ق) در بین عالمان شیعی ارزش بسیاری دارد که شمس‌الدین محمد عاملی آن را به فارسی ترجمه کرده است. کتاب *الاربعین حدیثاً* از علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۰۳۷ق) با موضوع اصول دین و فروع دین، پند و اندرز و موعظه است که به زبان عربی به نگارش درآورده؛ وی همچنین کتاب اربعین دیگری نیز به فارسی نوشته است. *الاربعون حدیثاً* از اسماعیل مازندرانی خواجه‌جویی (م. ۱۱۷۳ق) و همچنین شرح *چهل حدیث* از امام خمینی (م. ۱۲۸۱ش). علاوه بر اربعین‌های منشور، نورالدین عبدالرحمن جامی، شاعر و عارف قرن نهم، چهل حدیث کوتاه از احادیث حضرت محمد(ص) به نام اربعین یا چهل حدیث به نظم درآورده است.

با ظهور دولت صفوی و مهاجرت علمای جبل عامل به ایران و همچنین به رسمیت شناختن مذهب شیعه در زمان شاه اسماعیل صفوی، به عنوان مذهب رسمی کشور، دانش حدیث و اربعین‌نگاری در بین عالمان شیعه رشد فزاینده‌ای نمود. یکی از آثاری که در دوره شاه سلیمان صفوی به شیوه اربعینیات نوشته شده، مجلس آرا اثر محمد محسن شیرازی با موضوع اخلاق است.

۷. سبب تألیف مجلس آرا

نویسنده در پایان کتاب، چرایی نوشتن اثر را توضیح می‌دهد و این‌گونه بیان می‌دارد که سعی بر ساده‌نویسی داشته است تا درک مطلب برای همگان قابل فهم باشد و از مطالب آن سود ببرند و به خلاصه‌نویسی روی آورده و گرنه جای شرح و بسط وجود داشت. آروز کرده که احادیث در خواننده مؤثر واقع شود و به آن‌ها عمل کنند تا به اجر و ثواب آخرت برسند.

«غرض از تألیف این احادیث شریفه آن بود که کافه خلایق از او انتفاع یابند. اگر به الفاظ مغلقه و استعارات و کنایات کثیر می‌پرداخت، بسا بود که جمعی به معانی آن نمی‌رسیدند و ادراک دریافت مطلب نمی‌کردند. غرض از قوه به فعل نمی‌آمد و چون تألیف این نسخه در زمانی تحریر یافت و صورت انجام پذیرفت که اهل عصر همّت پست و قاصرالوسعت بودند، به تکلفات و تقطیعات می‌پرداختند و قدر کمالات ناقص گردیده بود. اگر زیاده از این جمع، تألیف می‌شد، رغبت به نوشتن نمی‌شد و در مرتبه عقیم می‌ماند و به منصفه ظهور نمی‌رسید. باز فوت غرض لازم می‌آمد و الا مقام گنجایش اضعاف و مضاعف داشت و لهذا به همین قدر اکتفا نمود. امید که خواننده و شنونده از این احادیث متأثر گردند و به اعمال آن پردازند و به ثواب اخروی رسند» (شیرازی، بی تا: ۱۸۶).

مؤلف، کتاب را در چهل مجلس آورده که ابتدا حدیثی با ذکر راویان و شرح حدیث می‌آورد و سپس مجلس مربوط به آن حدیث را که داستانی درباره موضوع و مضمون حدیث است، نقل

می‌کند. احادیث استفاده‌شده در کتاب از حضرت محمد مصطفی (ص) است که امام محمد باقر (ع) و امام حسین (ع) نقل روایت کرده‌اند. این اثر نثر آمیخته به نظم است و نویسنده ابیاتی در موضوعات مورد بحث از شاعران بزرگ فارسی‌زبان از جمله سعدی، حافظ، عطار، مولانا و... آورده که زیبایی کار را دوچندان کرده است.

مجالس ذکرشده در اثر

شمارهٔ مجلس	موضوع
مجلس اول	در ابتلا و ملکهٔ مروّت
مجلس دوم	در خیریت مصلحت
مجلس سوم	در بیان صبر و قضا
مجلس چهارم	در بیان تصدّق که دفع قضا یا و بلا پای عظیم می‌کند.
مجلس پنجم	در بیان آنکه تصدّق عطیه موجب زیادتی مال و ثواب است.
مجلس ششم	در بیان فایدهٔ قناعت و توکل
مجلس هفتم	در بیان حرص که موجب خسران دنیا و آخرت است.
مجلس هشتم	در بیان آنکه ترک معصیت از خوف خدا موجب دخول جنت است.
مجلس نهم	در بیان آنکه دعا از روی یقین به اجابت می‌رسد.
مجلس دهم	در بیان اقرار به ذنب باعث قبول عبادت است.
مجلس یازدهم	در بیان آنکه با فاسق در ساختن موجب عذاب الیم است.
مجلس دوازدهم	در بیان آنکه توبه از روی یقین و اخلاص موجب خلاصی از بلیات است.
مجلس سیزدهم	در بیان آنکه عمل قلیل از روی یقین سبب کرامات و واجبات دعوات می‌شود.
مجلس چهاردهم	در بیان ورع و خوف و کوتاهی امل و آرزو موجب ثواب عظیم است.
مجلس پانزدهم	در بیان ورع و خوف الهی موجب دخول جنت است.
مجلس شانزدهم	در بیان آنکه جمع مال موجب حرمان و ناامیدی است.
مجلس هفدهم	در بیان آنکه نیکویی با والدین ثمرهٔ آن دخول بهشت است.
مجلس هجدهم	در بیان آنکه محبت خدا سبب دخول جنت است.

شماره مجلس	موضوع
مجلس نوزدهم	در بیان آنکه قصد صحیح در اعمال و نیت خالص موجب خلاص از بلیات است.
مجلس بیستم	در بیان آنکه زکات موجب زیادتی برکت در اموال است.
مجلس بیست و یکم	در بیان آنکه منع زکات موجب خسران آخرت است.
مجلس بیست و دوم	در بیان آنکه بنده به سبب افعال حسنه و صلاح به هدایت الهی می‌رسد و به سبب اعمال سیئه در ضلالت می‌ماند.
مجلس بیست و سوم	در بیان آنکه حق تعالی با بنده به تفضل عمل می‌نماید.
مجلس بیست و چهارم	در بیان آنکه ظلم بر مظلوم موجب خسران آخرت است.
مجلس بیست و پنجم	در بیان آنکه اعمال دنیا مجسم می‌شود.
مجلس بیست و ششم	در بیان آنکه خیانت حق شوهر و تهمت گفتن موجب خلود در نار است.
مجلس بیست و هفتم	در بیان آنکه احیای اموات در دنیا دلیل رجعت است.
مجلس بیست و هشتم	در بیان آنکه رد سائل نمودن موجب سلب نعمت و پریشانی است.
مجلس بیست و نهم	در بیان آنکه رحم بر حیوانات موجب ثواب آخرت و نعمت دنیا می‌شود.
مجلس سی‌ام	در بیان آنکه اجرای حکم شرع پیغمبران بر حیوانات می‌شود.
مجلس سی و یکم	در بیان آنکه تهمت در حق شخصی موجب رسوایی و عقاب آخرت است.
مجلس سی و دوم	در بیان استدراج نعوذ بالله من هذا.
مجلس سی و سوم	در بیان آنکه عبادت از روی اخلاص رفع عذاب آخرت است.
مجلس سی و چهارم	در بیان آنکه پیروی ناموس مردم موجب رسوایی دنیا و عذاب آخرت است.
مجلس سی و پنجم	در بیان آنکه شخص به سبب صلاح مستحق تهمت می‌شود و به سبب کفر و ضلالت به جهنم می‌رسد.
مجلس سی و ششم	در بیان آنکه ایمان از روی یقین سبب هدایت جمعی می‌شود.
مجلس سی و هفتم	در بیان اثبات حشرونشر است.
مجلس سی و هشتم	در بیان آنکه بعد از هر عسری، یسری است.
مجلس سی و نهم	در بیان آنکه اعتقاد در توحید و عبادت از روی یقین موجب کرامت می‌شود.
مجلس چهلم	در بیان آنکه هر که بدی در حق مسلمانی می‌کند، خود به آن می‌رسد.

۸. برخی ویژگی‌های دستوری و زبانی

۸-۱. کاربرد وجه وصفی

«در زاویه فکر در آن که چگونه دست و پا را کشیده و اصابع و انامل و حرکات او در آن مقرر فرموده و چگونه اعضاء و احشا از قلب که محل حیات است و معدن کبد و سپرز و رحم و مثانه کل واحد از این‌ها بر شکل مخصوص به مقتضای حکمت در آن تنگنا خلق نموده و چگونه ترکیب داده چشم از هفت طبقه و از برای هر طبقه مکان معهود و هیأت مخصوص به او لطف فرموده؛ و بعد از آن نظر کن که چگونه استخوان به اصلاب مستحکم ساخته و ستون عمارت بدن گردانیده. هر کدام به مقدار مختلف و اشکال مختلف، بعضی صغیر و بعضی کبیر هر یک را در جای خود نصب فرموده. چون انسان محتاج به حرکت کل اعضاء در شدت و ضعف می‌شود...» (شیرازی، بی‌تا: ۱۶۳).

۸-۲. جمع بستن با «ات» و «ین» نشانه جمع عربی

«منافذ و راه چشم و گوش و دماغ و دهن و سایر منافذات در آن ایجاد نموده و گشاده ساخته» (همان: ۱۶۳)؛ «با کثرت علامات آسمان و زمین» (همان: ۱۶۳)؛ «حقّ جلّ و علا مخلوقات را می‌بیند و اطلاع به اعمال و حرکات و سکنت ایشان دارد» (همان: ۲۹)؛ «بر بساتین مزرعه عملت متقاطر گشته... مساکین و یتیمان را جمع نموده... محاسبین سموات و ارض... در عرض سنین و شهور» (همان: ۲۸).

۸-۳. مطابقت صفت و موصوف به تقلید از زبان عربی

«تا آنکه آن میمونه سر به زیر افکنده اقرار و اعتراف به عمل خود نمود» (همان: ۱۴۶)؛ «و یا در حق مؤمنه‌ای بهتان گوید» (همان: ۱۴۷)؛ «همسره‌ای بود در نهایت عفت که او را معصومه‌اش شمردندی» (همان: ۱۴۸)؛ «آن عابده صالحه از رفتن شوهر خود غمگین گشته» (همان: ۱۴۸)؛ «گفت: زن برادرم فاجره گشته» (همان: ۱۴۹)؛ «آن صالحه مؤمنه چون این را شنید رقت قلب او

در تلاطم آمد» (همان: ۱۵۰)؛ «کشتی آن مسعوده ساجده با جواهر و لآلی به دستگیری باد موافق به جزیره‌ای رسیدند» (همان: ۱۵۲).

۸-۴. آوردن افعال کهن فارسی ب، بر، اندر و افعال پیشاوندی

«تا دام او خالی از دریا برآید» (همان: ۱۶۶)؛ «از آه و ناله آن فریاد الامان درمی‌آمد» (همان: ۱۶۶)؛ «آن ملک را هدایت نموده تا به دین حق درآورد» (همان: ۱۶۷)؛ «هاتفی از غیب ندا درداد» (همان: ۲۵)؛ «روزی سائلی به سرای وی درآمده» (همان: ۲۵)؛ «محافظت گوسفند از او برنمی‌آید» (همان: ۹۷)؛ «اهل آن دیار از آن مقام سراپرده خود را برکنند» (همان: ۹۵)؛ «از حُب و دوستی دل از او برنمی‌کنند و رسم مناکحت و معاشرت از میان برانداختند» (همان: ۷۵)؛ «صبر و سکون رخت از ساحت سینه‌اش بدر برد» (همان: ۱۳۳)؛ «گریبان دلش گرفت از سر دیوار فروکشید» (همان: ۱۶۰)؛ «فرونگذاشت» (همان: ۱۶۰)؛ «خواب و خور از او بشد به دریا فروشو و لآلی عجیبه و جواهر نفیسه بحر را به کنار آر» (همان: ۱۵۲)؛ «لشکر زنگبار شب به مغرب فنا فرورفت» (همان: ۷۸)؛ «تیغ دو دمش آتشی است آبدار که شعله نیران قلب سپاه عدو را به یک دم فرونشاند» (همان: ۸).

بخش اعظم مجلس آرا در نوع ادبی تعلیمی از گونه اخلاق نوشته شده و معمولاً آثار تعلیمی بر نصایح، مواظظ، امر و نهی اخلاقی است که به هدف تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و دعوت به رعایت موازین اخلاقی است.

امر: «بنده باید به مقدرات الهی شاکر باشد و فوق آن مرتبه را نطلبد؛ که خیر و مصلحت او در آن حالت معینه خواهد بود» (همان: ۱۴).

«ای عزیز چون فردی از افراد انسان را ابتلا و امتحان است، اگر عارضه‌ای روی دهد یا به بلایی مبتلا شوند، صبر باید نمود. علم و فرع را به جولان نیاورده، زبان شکوه را کوتاه باید کرد. شاید که در معرض امتحان و ابتلا باشد و صبر در این مرتبه ثواب عظیم به آن مترتب می‌گردد و مروّت را ملکه خود باید ساخت که عمده است در هر باب خصوصاً در مقام مستجار در رعایت

ایشان به قدر مقدور می‌باید نمود که این طریقه انبیا علیهم‌السلام است. پس باید که این شیوه پسندیده را مرعی دارند که سبب مشابهت به انبیا علیهما‌السلام باعث نجات آخرت شود و سیله دخول جنت» (همان: ۱۵).

موعظه: «بعضی مصلحت ایشان در وقت درویشی است. اگر غنا و توانگری به او رسد، بسی مفسده‌ها از ایشان ناشی خواهد شد و از دین بیگانه خواهند گشت. پس خیر و صلاح حال ایشان در فقر است و بعضی از بندگان صلاح ایشان در خواب و استراحت است و اگر اراده بیداری شب کنند و به تهجد و نماز شب مشغول شوند، کبر و عجب در نفس ایشان به هم خواهد رسید که اعمال ایشان را نابود و ضایع سازد و از دین منحرف شوند. پس خیر ایشان آن است که نعاس و خواب را بر ایشان غلبه سازیم تا در کبر نیفتند و از این حدیث بلاغت اسلوب ظاهر شد که هر چه از جناب حق سبحانه و تعالی و تقدس به تو می‌رسد، محض خیر است. پس در آن مرتبه مفوضه صبر و شکر می‌باید نمود و نفس خود را با آن تسلی باید فرمود» (همان: ۱۴).

«پس باید که بنده در مقام صبر و رضا بوده باشد و اضطراب نکند و در آن معصیت و بلا از روی اختیار صبر نماید» (همان: ۱۷).

نویسنده برای طرح موضوعات اخلاقی مورد نظر خود، از شیوه نقل حکایات و تمثیل بهره جسته است و برای بیان هر نکته یک حکایت در ابتدا آورده تا بتواند نقش‌هایی از قبیل تحذیر، ترغیب، هشدار، توبیخ و ارشاد به مخاطب خود بیان نماید. شیرازی در ابتدای هریک از مجالس چهل‌گانه کتاب با عبارت «نقل است که در زمان بنی اسرائیل...» شروع و حکایت مرتبط با موضوع مورد بحث را بیان می‌کند و در پایان حکایت نکته اخلاقی طرح شده، با عبارت «ای عزیز...» مخاطب خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و به نصیحتش می‌پردازد. «ای عزیز بدان که چابک‌سواران میدان بندگی به کشیدن عنان توسن شهوت گوی سعادت ربوده‌اند و سالکان طریق حق پرستی، پوشیدن دیده شوخ‌چشمی از خواهش نفس ابواب فیض به روی خود گشوده‌اند... تا

سرکشان طبایع غلام شوند و دیو و دد به آرزویی مست شوند و تو را بر خلعت عفو و آمرزش سرافراز گردانند» (همان: ۴۹).

ایات متن: در این اثر بیش از ۱۵۰ بیت به عنوان تمثیل و یا ضرب‌المثل به کار رفته است. براساس جست‌وجو در منابع در دسترس نویسنده، بعضی از اشعار یافت نشد که می‌توان احتمال داد از خود نویسنده باشد؛ اما دیگر اشعار از ۲۹ شاعر بزرگ فارسی‌زبان به فراخور متن استفاده کرده است.

تعداد ایات شاعران در اثر

نام شاعر	تعداد بیت	نام شاعر	تعداد بیت
سعدی شیرازی	دوازده بیت	شیخ بهایی	شش بیت
نظامی گنجوی	ده بیت	صائب تبریزی	پنج بیت
حافظ شیرازی	نه بیت	ابوالقاسم فردوسی	دو بیت
واعظ قزوینی	هشت بیت	شیخ محمود شبستری	دو بیت
جلال‌الدین مولوی	هفت بیت	دیگر شاعران	هرکدام یک بیت

در بررسی اشعار تضمینی اثر مشخص شد نویسنده در برخی از ایات تغییراتی ایجاد کرده و گاهی یک مصراع را کاملاً تغییر داده و در جایی دیگر تغییر جزئی داده است. در بیت زیر حافظ شاه شجاع را مدح کرده است:

در اوج ناز و نعمتی ای پادشاه حسن یارب مباد تا به قیامت زوال تو

(حافظ، ۱۳۷۴: ۵۵۵)

محمد محسن شیرازی با تغییر در مصراع اول شعر حافظ به مدح شاه سلیمان صفوی پرداخته است.

در ظل آفتاب تو آسوده‌اند خلق یارب مباد تا به قیامت زوال تو

(شیرازی، بی تا: ۹)

همچنین شیرازی با تغییر در مصراع اول و سوم شعر واعظ قزوینی، حضرت علی(ع) را این‌گونه مدح نموده:

به مهر سپهر ولایت علی کزو ظلمت کفر شد منجلی
امامی که بی‌نشئه مهر او نخیزد کسی از لحد سرخ‌رو
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۶۲۲)

چراغ شبستان دل‌ها علی کزو ظلمت کفر شد منجلی
امامی که بی‌باد مهر او نخیزد کسی از لحد سرخ‌رو
(شیرازی، بی تا: ۶)

برخی از شواهد شعری که بدون تغییر تضمین کرده است:

اگر صد سال مانی در یکی روز بیاید رفت از این کاخ دل‌افروز
(نظامی، ۱۳۳۳: ۳۹؛ شیرازی، بی تا، ۸۳)

نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد درخت دشمنی برکن که رنج بی‌شمار
(حافظ، ۱۳۷۴: ۱۵۵؛ شیرازی، بی تا: ۱۸۶)

۵-۸. استفاده از آیات و احادیث در متن

شیرازی در مجلس‌آرا بیش از ۱۲۰ آیه و حدود ۵۰ حدیث به کار برده است.

آیه: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ هُوَ حَسْبُهُ»^۱ (شیرازی، بی تا: ۸۱)؛ «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا»^۲ (همان: ۷)؛
«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۳ (همان: ۲۰).

حدیث: «الْذُّنُوبُ مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»^۱ (همان: ۷۳)؛ «التَّوْبَةُ حَبْلُ اللَّهِ وَمَدَدُ عَنَائَتِهِ»^۲ (همان: ۱۸۲).

۱. طلاق: ۳.

۲. انبیا: ۶۹.

۳. شعراء: ۸۸.

۶۸. استفاده از ضرب‌المثل‌ها و عبارات عربی

«چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی» (شیرازی، بی‌تا: ۱۰۸).

یا دوست گزین کمال یا جان یک خانه دو مهمان نگنجد

(همان: ۸۸)

«الحق مرّ» (همان: ۱۱۲).

۷۸. آمیختگی نظم و نثر

«و جوی‌های آب روان ماء عذب فرات بر سبزه و ریاحین جاری» (همان: ۸۳)؛ «از جبههٔ منیرش رقم آن من عباد الصالحین هویدا» (همان: ۱۱۹)؛ «حق سبحانه و تعالی او را از خزانهٔ ینفقون فی سبیل الله به وفور نعمت و اسباب و مال مستغنی ساخته، گرد کلفت فقر و فاقه سواد الوجه فی دارین از او پرداخته» (همان: ۱۳۰)؛ «شاهزاده نیز انکار دعوی نمود و قاضی بنا بر شرع شریف الشاهد علی المدعی و الیمین علی من انکره، طلب بینه از آن جوان نمود» (همان: ۱۳۸).

۸۸ به کار بردن القاب و صفات احترام‌آمیز

«اختر برج دانش و کمال، خورشید جهان‌تاب فضل و حال، سالک مسالک سداد و صلاح، هادی سبیل رشاد و رستگاری و فلاح» (شیرازی، بی‌تا: ۵۷).

در مدح طیب شاه آورده: «طیب لقمان فطرت، حکیم جالینوس فطنت» (همان: ۶۱).

در مدح شاه سلیمان صفوی: «آفتاب سپهر دولت و اقبال، سایهٔ رحمت قادر ذوالجلال، اولادِ ائمهٔ

طاهرین» (همان: ۸).

۹۸. تشبیه

تیر مژه، کمان ابرو، کمند گیسو، تیغ زیان.

۱. حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۳.

۲. نوری، ۱۴۰۸: ۱۳۱.

۸-۱. به کار بردن معانی فارسی در کنار عبارات عربی

در بیشتر مواقع هرکجا از عبارت عربی استفاده کرده، بلافاصله معنی فارسی آن برای روشن شدن معنی و مفهوم حکایت آورده است. «زبان طعن به جاریه گشوده که: این رأس الحمامة یعنی کجاست سر کبوتر» (شیرازی، بی تا: ۶۱)؛ «غضب الله علیک یعنی خشم خدا بر تو باد» (همان: ۶۵)؛ «علیکم بالورع یعنی که لازم ورع باشید» (همان: ۷۷)؛ «این جیران الله یعنی در کجایند همسایگان و نزدیکان خدا» (همان: ۸۹)؛ «من اتم یعنی شما چه کسانی» (همان: ۸۹).

۹. نتیجه‌گیری

محمد محسن شیرازی در قرن یازدهم دوره صفویه که هم نثر فنی و هم نثر مرسل رواج داشته، مجلس آرا را تألیف کرد. شیوه نگارش آن در عین به کار بردن واژگان کهن، استعمال لغات و ترکیبات عربی، آرایه‌های ادبی اغلب به ساده‌نویسی توجه داشته است. آگاهی شیرازی به علوم و فنون ادبی، قواعد دستوری و زبان عربی باعث شده تا این اثر حاوی شواهد و نکات ادبی فراوانی باشد که می‌تواند به شناخت بیشتر نثر عصر صفوی کمک کند.

به جز نسخه عکسی که در کتابخانه قم - مرکز احیا وجود دارد، براساس اطلاعات موجود در *دنا* و *فنیخا* هفت نسخه خطی از اثر در کتابخانه‌ها موجود است که همه نسخه کامل و بدون افتادگی هستند. موضوع اثر اخلاقی، تعلیمی و تربیتی است و مؤلف به تقلید از مقامه‌نویسان با نثری آمیخته به اشعاری از شعرای بزرگ ادب فارسی در لابه‌لای متون نثر و با آوردن حکایت‌هایی زیبا و شیوا سعی در راهنمایی و ارشاد مخاطب دارد، و زمانی با حجت و برهان به شناخت نیک و بد می‌پردازد و گاه‌گاه کلامش فلسفی و عرفانی می‌شود. نگارش مجلس آرا به شیوه اربعینات از دیگر ویژگی‌های بارز اثر است. نویسنده به تأسی از حدیث پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ

وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهَاً عَالِماً» در صدر چهل مجلس چهل حدیث آورده که شامل اربعینات شود تا خاص و عام او بهره‌مند و به سعادت دنیا و عقبی فایز شوند. همچنین به کمک احادیث ذکر شده سخن را بسط داده تا احادیث محملی برای بیان اهداف و اندیشه‌هایش باشد و به استناد آن‌ها در ذهن و رفتار خواننده تأثیرگذار باشد. این اثر علاوه بر اینکه بیانگر شخصیت متشرعانه شیرازی و مراقبت وی بر حفظ سنت نبوی است، جنبه اشراف او بر علوم بلاغی و ادبی را هم نشان می‌دهد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۳۱۳). *الذریعة الی تصانیف الشیعه*. نجف: مطبعة الغری.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق). *الخصال*. قم: النشر السلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۴). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: الشریف الرضی.
۵. حافظ، شمس‌الدین. (۱۳۷۴). *دیوان*. تصحیح خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی التحصیل مسائل الشیعة*. قم: لایحیاء التراث.
۷. حسینی فسایی، میرزا حسن. (۱۳۱۴). *تاریخ فارسنامه ناصری*. تهران: سنائی.
۸. حسینی فسایی، میرزا حسن. (۱۳۹۲). *فارسنامه ناصری*. تهران: امیرکبیر.

۹. حلوانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: مدرسه الامام المهدي (عج).
۱۰. درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*. تهران: مرکز اسناد مجلس.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸). *اعلام الدین فی صفات المومنین*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله. (۱۳۲۰). *بوستان*. تصحیح محمد خزائلی. تهران: انتشارات جاویدان.
۱۴. سلامی، نصراله، خالق‌زاده، محمدهادی و معصومی، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی مجلس آرای محمدمحسن شیرازی. *نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ۱۵(۷۵)، ۱۳۹-۱۵۴.
۱۵. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). *انواع ادبی*. تهران: نشر میترا.
۱۶. شیخ ویسی، طیبه. (۱۳۹۵). *تصحیح انتقادی دیوان قصاید سید طاهر آتشی شیرازی خباز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۷. شیرازی، محمدمحسن. (بی‌تا). *مجلس آرا، نسخه خطی شماره ۳۶۵۲*. کتابخانه دانشگاه تهران.

۱۸. شیرازی، محمد محسن. (۱۲۰۴ق). مجلس آرا، نسخه خطی شماره ۲۵۱۴. کتابخانه دانشگاه تهران.
۱۹. شیرازی، محمد محسن. (۱۲۵۷ق). مجلس آرا، نسخه خطی شماره ۲۶۱. کتابخانه مسجد اعظم قم.
۲۰. شیرازی، محمد محسن. (۱۲۶۰ق). مجلس آرا، نسخه خطی شماره ۱۷۳۸۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۱. صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی. تهران: نشر فردوسی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. قم: دارالثقافه.
۲۳. فدایی، غلامرضا. (۱۳۲۴). آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۸). بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۶. منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگ منطقه‌ای.
۲۷. نظامی، جمال‌الدین ابو محمد الیاس. (۱۳۳۳). خسرو و شیرین. تصحیح وحید دستگردی. تهران: ابن سینا.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البتیت (ع).

۲۹. واعظ قزوینی، ملا محمد رفیع. (۱۳۵۹). دیوان. تصحیح سید حسن سادات ناصری. تهران: علمی.

تصاویر



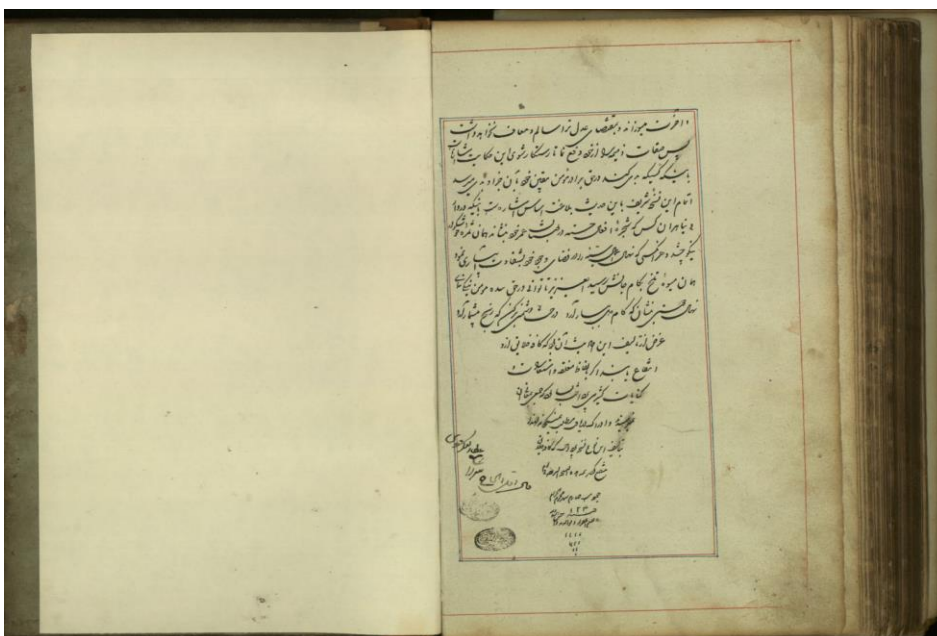
برگ آغازین نسخهٔ اساس



برگ پایانی نسخه اساس



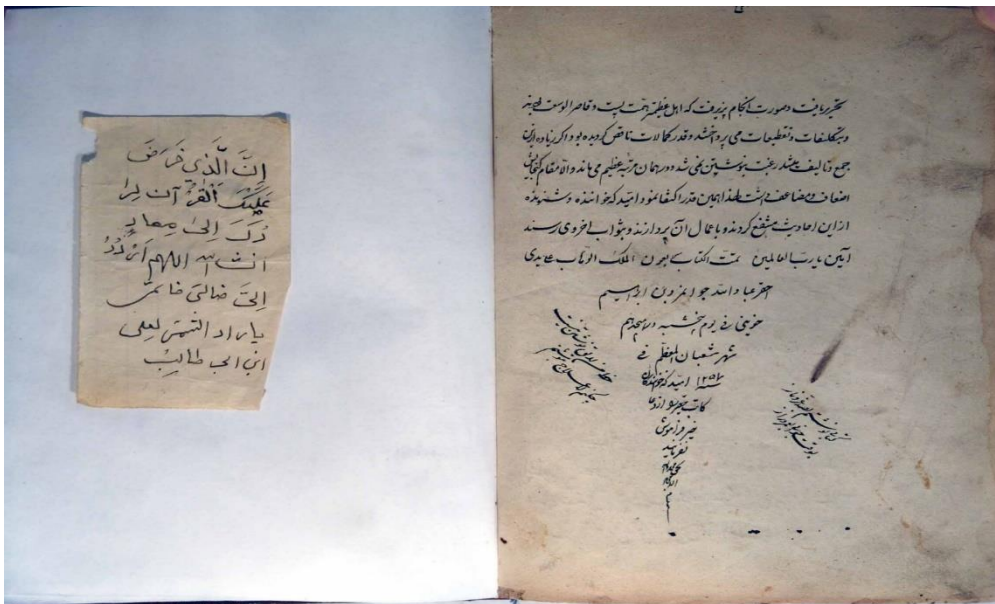
برگ آغازین نسخه ۲۵۱۴ دانشگاه تهران



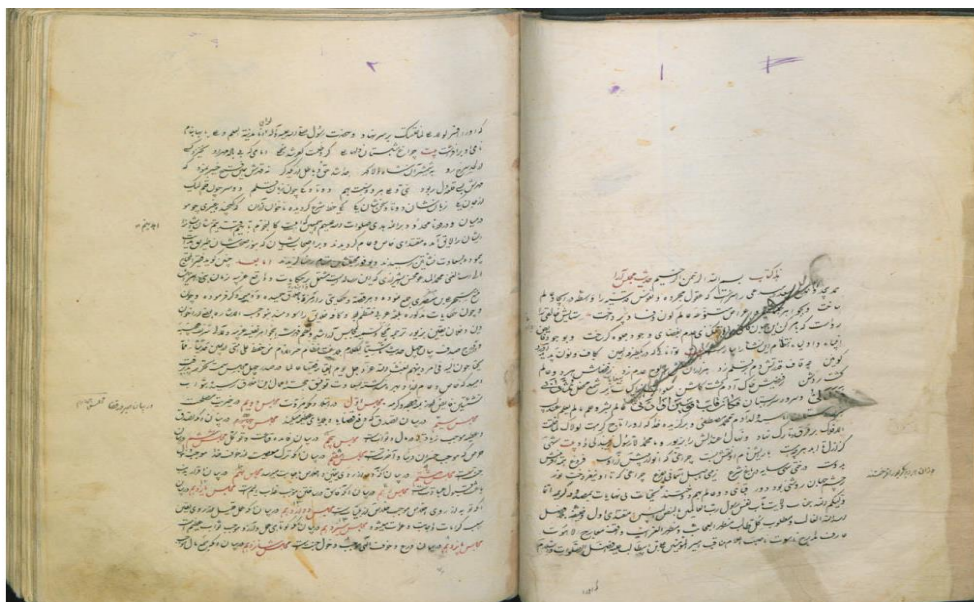
برگ پایانی نسخه ۲۵۱۴ دانشگاه تهران



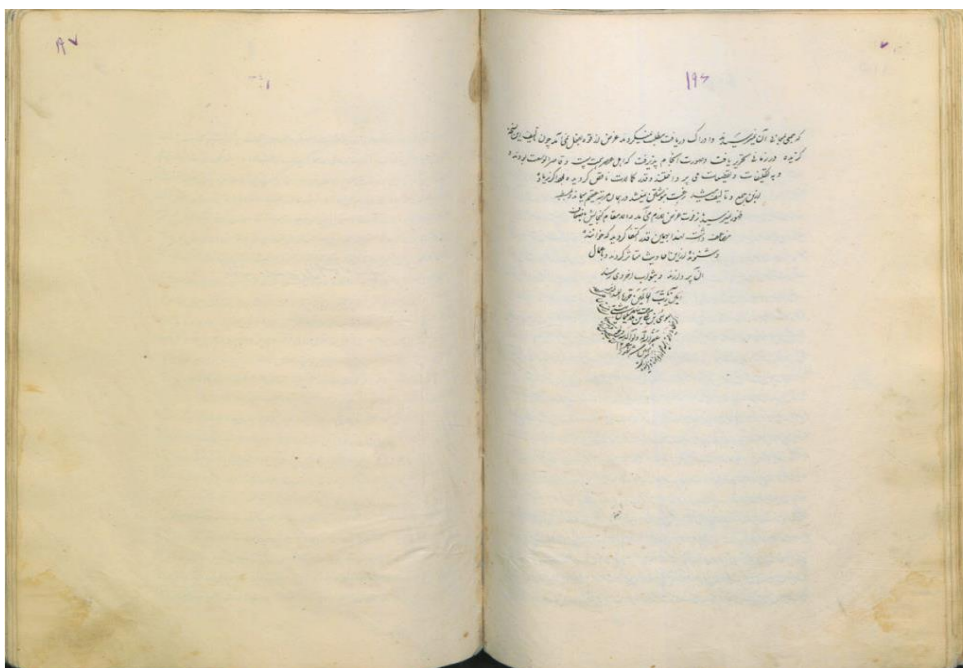
برگ آغازین نسخه مسجد اعظم قم



برگ پایانی نسخه مسجد اعظم قم



برگ آغازین نسخه مجلس



برگ پایانی نسخه مجلس